

عنوان: تحلیل کیفی تاب‌آوری زنان در بستر بحران‌های طبیعی: مطالعه‌ای نظام‌مند با تأکید بر نقش آموزش در مناطق زلزله‌زده

مریم پورکسمایی^۱

اطلاعات مربوط به
مقاله

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل کیفی شواهد موجود درباره تاب‌آوری زنان در مناطق زلزله‌زده و بررسی نقش میانجی‌گر آموزش در توانمندسازی آنان انجام شده است. این مطالعه نظام‌مند مطابق با چارچوب گزارش‌دهی PRISMA طراحی و انجام و جستجو در پایگاه‌های داده بین‌المللی اسکوپوس، وب‌سایت ساینس و پاب‌مد و پایگاه‌های داخلی مگیران و اس‌ای‌دی و سیولیکا در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴ انجام شد. پس از غربالگری دقیق، ۴۵ مقاله (۲۵ مقاله لاتین و ۲۰ مقاله فارسی) وارد فرایند تحلیل شدند. داده‌ها با رویکرد تحلیل مضمون کدگذاری شدند. بعد از تحلیل داده‌ها چهار دسته مضمون اصلی آشکار شد: مضمون اول) تاب‌آوری چندساختی: تاب‌آوری زنان فراتر از بازگشت اقتصادی، ابعاد روان‌شناختی، اجتماعی و هویتی را شامل می‌شدند. مضمون دوم) آموزش به عنوان موتور محرک: آموزش‌های تخصصی (مدیریت بحران، مهارت‌های زندگی، سواد مالی) به‌طور مستقیم بر افزایش خودکارآمدی و کاهش آسیب‌های روان‌شناختی تأثیر گذاشتند. مضمون سوم) ساختارهای حمایتی غیررسمی: شبکه‌های همسایگی و خویشاوندی زنان، کانال اصلی انتقال دانش و حمایت عاطفی بودند. مضمون چهارم) موانع جنسیتی: هنجارهای فرهنگی و تقسیم کار جنسیتی، دسترسی زنان به آموزش و منابع را محدود می‌کرد. در نتیجه مشخص شد که آموزش، عاملی مهم و کلیدی در گذار زنان از «قربانی منفعل» به «کنشگر فعال» است. با این حال، برنامه‌های آموزشی باید با بافت فرهنگی محلی سازگار شده و بر توانمندسازی اقتصادی و روانی همزمان تمرکز کنند.

کلید واژگان

تاب‌آوری زنان، زلزله، آموزش مدیریت بحران، مرور نظام‌مند، توانمندسازی، مطالعات جنسیتی.

^۱ نویسنده مسئول: مربی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران Kasmaei.maryam@pnu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

زلزله به عنوان یکی از مخرب‌ترین و غیرقابل پیش‌بینی‌ترین بلایای طبیعی، نه‌تنها زیرساخت‌های فیزیکی و اقتصادی را هدف قرار می‌دهد، بلکه ساختارهای اجتماعی، روانی و فرهنگی جوامع را نیز با چالش‌های عمیقی روبرو می‌سازد. در دهه‌های اخیر، وقوع زلزله‌های ویرانگر در نقاط مختلف جهان، از جمله زلزله نیال (۲۰۱۵)، زلزله کرمانشاه (۲۰۱۷)، زلزله طارم (۲۰۱۸) و زلزله تاریخی ترکیه-سوریه (۲۰۲۳)، حقیقتی تلخ اما روشن را آشکار کرده است: پیامدهای بلایا برای تمام اعضای جامعه یکسان نیست و جنسیت یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی میزان آسیب‌پذیری و نحوه بازگشت به زندگی عادی است (آلی و همکاران، ۱۳۹۸).

در ادبیات مدیریت بحران، رویکرد سنتی اغلب بر «کاهش آسیب‌پذیری»^۱ متمرکز بود، که عمدتاً بر ارائه کمک‌های امدادی و بازسازی فیزیکی پس از حادثه تمرکز داشت. با این حال، رویکردهای نوین در مدیریت بلایا، از این رویکرد متغلبانه به سمت «تقویت تاب‌آوری»^۲ حرکت کرده‌اند. تاب‌آوری در این چارچوب، صرفاً به معنای بازگشت به وضعیت پیشین^۳ نیست، بلکه به معنای ظرفیت سازگاری، یادگیری سازمانی و توسعه پایدار در مواجهه با شوک‌های پیچیده است (نوری و همکاران، ۱۴۰۰؛ نوریس^۴ و همکاران، ۲۰۰۸). به این منظور، زنان به‌عنوان گروهی که اغلب در لبه‌های حاشیه‌ای ساختارهای اجتماعی قرار دارند، همواره با چالش‌های مضاعفی مواجه بوده‌اند. مطالعات نشان می‌دهند که در جوامع در حال توسعه، از جمله ایران، زنان به دلیل نابرابری‌های ساختاری، به منابع اقتصادی دسترسی محدودتر دارند، با داشتن نقش‌های مراقبتی سنتی^۵ و همچنین با داشتن محدودیت‌های حرکتی و اجتماعی، در دوران بحران و بازسازی با موانع بیشتری مواجه می‌شوند (رجیمی، ۱۳۹۹؛ رحمان و همکاران، ۲۰۲۰).

با وجود اهمیت بسیار زیاد موضوع این پژوهش، ادبیات موجود بسیار پراکنده است و خیلی از پژوهش‌های پیشین بر شاخص‌های کمی مانند نرخ مرگ‌ومیر، خسارت مالی یا میزان آسیب‌پذیری ساختمان‌ها متمرکز بوده‌اند. در مقابل، به مسأله درک عمیق از «تجربه زیسته»^۶ زنان و نقش مکانیسم‌های غیرمادی مانند آموزش در تقویت تاب‌آوری آن‌ها، کم‌تر توجه شده است. آموزش به‌عنوان یکی از ارکان اصلی راهبردهای «کاهش خطر بلایا»^۷ شناخته می‌شود، اما سؤال اساسی این است که آموزش چگونه می‌تواند تاب‌آوری کیفی زنان را در بستر فرهنگی خاص ایران و جوامعی با ویژگی‌های مشابه تقویت کند؟ آیا برنامه‌های آموزشی فعلی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که نیازهای خاص جنسیتی را پوشش دهند و زنان را از «گیرندگان منفعل کمک» به «بازیگران فعال بازسازی» تبدیل کنند؟

مسئله اصلی این پژوهش، شکاف موجود میان «دانش نظری درباره تاب‌آوری جنسیت‌محور» و «کاربرد عملیاتی آموزش در مدیریت بحران» بود. اگرچه اسناد بالادستی و چارچوب‌های بین‌المللی (مانند سند سندای برای کاهش خطر بلایا ۲۰۱۵-۲۰۳۰)^۸ بر اهمیت مشارکت زنان تأکید دارند، اما شواهد نشان می‌دهد که در عمل، برنامه‌های آموزشی و مداخلات امدادی، اغلب طراحی آن‌ها کور به جنسیت کور است^۹ (نوری و همکاران، ۱۴۰۰؛ سازمان ملل متحد^{۱۱}، ۲۰۱۵).

1. Ali

2. Vulnerability Reduction

3. Resilience

4. Business as Usual

5. Norris

6. Care-giving roles

7. Lived Experience

8. Disaster Risk Reduction

۹. چارچوب سندای برای کاهش خطرپذیری بلایا (۲۰۱۵-۲۰۳۰) که به اختصار چارچوب سندای یا Sendai Framework نیز نامیده می‌شود و اولین توافق مهم پس از سند توسعه ۲۰۱۵ بود. این چارچوب هم‌چنین اقدامات مشخصی را برای محافظت از دستاوردهای توسعه در برابر ریسک حوادث به کشورهای عضو ارائه می‌دهد.

10. Gender-blind

11. United Nations

این کوری جنسیتی به چندین مشکل کلیدی منتهی می‌شود:

۱. نادیده گرفتن دانش بومی زنان: زنان در بسیاری از جوامع، حاملان دانش بومی درباره مدیریت منابع و شبکه‌های حمایتی محلی هستند که در برنامه‌های آموزشی متمرکز از بالا به پایین^۱ نادیده گرفته می‌شود (الی و همکاران، ۱۳۹۸).
۲. کمبود مهارت‌های عملی برای بحران: آموزش‌های ارائه شده معمولاً کلی هستند و بر نیازهای خاص زنان در دوران بلایا (مانند سلامت روان، امنیت در پناهگاه‌ها و دسترسی به منابع بهداشتی) تمرکز ندارند (رحمان و همکاران، ۲۰۲۰).
۳. ضعف در بازسازی مشارکتی: بدون آموزش‌های تخصصی و توانمندسازی، زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری پس از زلزله، از جمله بازسازی مسکن و برنامه‌ریزی شهری، حضور کم‌رنگی دارند که این امر طولانی‌شدن دوره بحران را به دنبال دارد (رحیمی، ۱۳۹۹).

بنابراین، با وجود تأکید گسترده بر مفهوم تاب‌آوری، هنوز مشخص نیست که چه مؤلفه‌هایی از آموزش (آگاهی‌بخشی، آموزش مهارت‌های امدادی اولیه، آموزش سلامت روان و...) بیش‌ترین تأثیر را بر افزایش تاب‌آوری کیفی زنان در مناطق زلزله‌زده دارند. همچنین، خلأ مشخصی در مرور نظام‌مند^۲ شواهد موجود در سطح جهانی و بومی (ایران) احساس می‌شود که بتواند الگوهای موفق آموزشی را شناسایی کند.

این پژوهش با انجام یک مرور نظام‌مند تلاش دارد تا با تحلیل کیفی شواهد موجود، به این پرسش پاسخ دهد که چگونه می‌توان از طریق آموزش‌های هدفمند و جنسیت‌محور، تاب‌آوری زنان را در برابر زلزله تقویت کرد. یافته‌های این مطالعه می‌تواند مبنایی علمی برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان مدیریت بحران و سازمان‌های مردم‌نهاد^۳ باشد تا به جای ارائه رویکردهای صرفاً امدادی، رویکردهای پیشگیرانه و توانمندساز داشته باشند.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع مرور نظام‌مند^۴ است که با پیروی از دستورالعمل‌های PRISMA^۵ طراحی و اجرا شده است.

جستجو در سه پایگاه داده بین‌المللی اسکوپوس^۶، ویب ساینس^۷، پاب‌مد^۸، و چهار پایگاه داده داخلی معتبر، مگیران^۹، اس‌ای‌دی^{۱۰}، سیولیکا^{۱۱}، ایرانداک^{۱۲} انجام شد. بازه زمانی جستجو از ژانویه ۲۰۱۵ تا دسامبر ۲۰۲۴ در نظر گرفته شد. این بازه زمانی، مطالعات مرتبط با زلزله‌های مهم این دوره (کرمانشاه، طارم، لرستان، ترکیه) را پوشش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها در دو دسته اصلی تعریف شدند:

1. Top-down
2. Systematic Review
3. Non-Governmental Organization
4. Systematic Review

۵. شیوه‌نامه PRISMA (Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses): چارچوب استاندارد بین‌المللی برای گزارش‌دهی دقیق و شفاف در مرورهای نظام‌مند و فراتحلیل‌ها است که شامل یک لیست بررسی (Checklist) و نمودار جریان انتخاب مطالعات است.

6. Scopus
7. Web of Science
8. PubMed
9. Magiran
10. SID
11. Civilica
12. IranDoc

۱. جمعیت و بحران^۱

English	فارسی
Women	زنان
Female	مؤنث / جنس مؤنث
Earthquake	زلزله
Natural Disaster	بلاای طبیعی
Post-disaster	پساک ۲۲ / پس از فاجعه / پساحیانی

۲. متغیرها^۲

English	فارسی
Resilience	تاب‌آوری
Education	آموزش
Training	آموزش‌های فنی / مهارتی
Empowerment	توانمندسازی
Qualitative Analysis	تحلیل کیفی
Social Capital	سرمایه اجتماعی

ترکیب این کلیدواژه‌ها با عملگرهای بولی^۳ انجام شد.

در فرایند جستجو در پایگاه‌های داده، از عملگرهای بولی شامل AND، OR و NOT برای محدود یا گسترش دامنه نتایج استفاده شد. عملگر AND برای همزمانی دو یا چند مفهوم به کار رفت تا نتایج مرتبط‌تری ارائه دهد؛ عملگر OR برای گنجاندن مترادف‌ها یا واژگان مرتبط استفاده شد تا تعداد نتایج افزایش یابد؛ و عملگر NOT برای حذف مفاهیم نامرتبط از نتایج جستجو به کار رفت.

برای نمونه در پایگاه SID (زن" OR "زنان" AND ("زلزله" OR "بحران طبیعی") AND ("تاب‌آوری" OR "آموزش")

معیارهای ورود در این پژوهش شامل مطالعات میدانی بود که داده‌های کیفی یا ترکیبی ارائه داده‌اند و تمرکز اصلی آن‌ها بر زنان ساکن در مناطق متأثر از زلزله بوده است. همچنین، مقالاتی که به موضوعاتی همچون نقش آموزش، سواد یا توانمندسازی مرتبط با بحران پرداخته بودند، در دامنه جستجو قرار گرفتند. این معیارها به گونه‌ای طراحی شدند که اطمینان حاصل شود تنها پژوهش‌هایی که دارای پشوانه تجربی هستند و به طور خاص به قشر آسیب‌پذیر زنان در پسای زلزله می‌پردازند، مورد بررسی قرار گیرند.

در مقابل، معیارهای خروج شامل گزارش‌های فنی بدون فرایند داوری همتا^۴ و مطالعاتی بود که صرفاً ماهیت نظری داشتند و فاقد داده‌های میدانی بودند. همچنین، پژوهش‌هایی که تمرکز آن‌ها به صورت مستقل بر مردان یا کودکان بود و ارتباط

¹. Population and Disaster

². Variables

³. Boolean Operators

⁴. Peer-review

مستقیمی با وضعیت زنان نداشتند، از دایره بررسی حذف شدند. علاوه بر این، تمامی مقالات باید در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴ منتشر شده و به زبان‌های فارسی یا انگلیسی تدوین شده باشند تا از دسترسی به منابع معتبر و به‌روز اطمینان حاصل شود. ۲

فرآیند غربالگری در سه مرحله انجام شد: حذف موارد تکراری، بررسی عنوان و چکیده و بررسی متن کامل. در نهایت ۴۵ مقاله (۲۵ لاتین و ۲۰ فارسی) وارد تحلیل شدند. تحلیل داده‌ها با روش «تحلیل مضمون» براون و کلارک (۲۰۰۶) انجام شد. دو محقق به‌طور مستقل کدگذاری را انجام دادند و تضادها از طریق توافق جمعی حل شد.

در جدول زیر، خلاصه‌ای از مطالعات منتخب (هم فارسی و هم لاتین) که در این پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته‌اند، آورده شده است:

جدول مطالعات وارد شده در مرور نظام‌مند

ردیف	نویسنده(ها)	سال	کشور/منطقه	نوع مطالعه	موضوع اصلی آموزش/مداخله	یافته کلیدی مرتبط با تاب‌آوری
۱	رحیمی و همکاران	۱۴۰۰	ایران (کرماتشاه)	کیفی (مصاحبه عمیق)	آموزش مهارت‌های زندگی و روانی	افزایش خودکارآمدی و کاهش اضطراب پس از زلزله
۲	حسینی و همکاران	۱۳۹۹	ایران (طارم)	ترکیبی	آموزش امداد و نجات اولیه	نقش زنان در نجات همسایگان و افزایش حس مفید بودن
۳	گلی‌پور و همکاران	۱۴۰۱	ایران (لرستان)	کیفی	آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (خیاطی)	پارکشت سریع‌تر به چرخه اقتصادی و کاهش فقر
۴	ابراهیمی	۱۴۰۲	ایران (کرماتشاه)	پدیدارشناسی	شبکه‌های حمایتی غیررسمی	نقش همسایگی در انتقال اطلاعات و حمایت عاطفی
۵	کمالی و همکاران	۱۳۹۸	ایران (بم - مروری)	مروری	برنامه‌های بازسازی ملی	اهمیت مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های محلی
۶	نوری و همکاران	۱۴۰۰	ایران	مروری نظام‌مند	تاب‌آوری اجتماعی	تعریف تاب‌آوری به عنوان فرایندی پویا و چندساختی
۷	رضایی و همکاران	۱۴۰۳	ایران	کیفی	سواد مالی و اعتبارات خرد	کاهش وابستگی به کمک‌های دولتی و افزایش استقلال
۸	محمدی و همکاران	۱۳۹۹	ایران	کمی-کیفی	آموزش بهداشت روان	کاهش نرخ افسردگی در زنان سرپرست خانوار
۹	زارعی	۱۴۰۱	ایران	موردی	نقش نهادهای مذهبی	حمایت معنوی به عنوان منبع تاب‌آوری
۱۰	شریفی و	۱۴۰۲	ایران	کیفی	آموزش‌های جنسیت‌محور	نیاز به تفکیک آموزش‌ها بر اساس

ردیف	نویسنده(ها)	سال	کشور/منطقه	نوع مطالعه	موضوع اصلی آموزش/مداخله	یافته کلیدی مرتبط با تاب‌آوری
	همکاران					نیازهای ویژه زنان
۱۱	Ali et al.	۲۰۱۸	پاکستان	کیفی	آموزش ایمنی	افزایش دانش فنی و کاهش ترس از تکرار زلزله
۱۲	Enarson	۲۰۱۹	جهانی	نظری-تحلیلی	جنسیت و بحران	نقد رویکردهای خنثی از نظر جنسیتی در مدیریت بحران
۱۳	Cutter et al.	۲۰۱۳	آمریکا	کمی-کیفی	شاخص‌های تاب‌آوری	ارتباط مستقیم سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری
۱۴	Norris et al.	۲۰۰۸	جهانی	مروری	بازسازی اجتماعی	تقش رهبری زنان در انسجام جامعه پس از بحران
۱۵	Kaya & Yildirim	۲۰۲۱	ترکیه	کیفی	آموزش روانی-اجتماعی	تأثیر گروه‌های درمانی بر بهبود سلامت روان
۱۶	Razmjou et al.	۲۰۲۲	ایران	ترکیبی	اشتغال‌زایی	رابطه بین درآمد مستقل و بهبود اعتمادبه‌نفس
۱۷	Khanjani et al.	۲۰۲۱	ایران	کیفی	مشارکت محلی	موانع فرهنگی برای حضور زنان در شوراهای
۱۸	Gholipoor	۲۰۲۲	ایران	کیفی	آموزش والدین	بهبود روابط والد-فرزند در شرایط استرس‌زا
۱۹	Mirzaei & Karimi	۲۰۲۳	ایران	آزمایشی-کیفی	ذهن‌آگاهی (Mindfulness)	کاهش علائم استرس پس از سانحه (PTSD)
۲۰	Etemadi	۲۰۲۲	ایران	مروری	خشونت مبتنی بر جنسیت	افزایش خطر خشونت در کمپ‌ها و نیاز به آموزش ایمنی

یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های استخراج شده از ۴۵ مطالعه منتخب ارائه می‌شود. یافته‌ها در قالب چهار مضمون اصلی دسته‌بندی شده‌اند.

مضمون اول: ماهیت چندبعدی تاب‌آوری زنان در زلزله

یافته‌ها نشان می‌دهد که تاب‌آوری زنان در بستر زلزله، یک پدیده تک‌بعدی نیست. در مطالعات انجام شده در ایران (زلزله کرمانشاه و طارم) و ترکیه، زنان تاب‌آوری خود را در سه سطح تعریف کردند:

الف) تاب‌آوری روان‌شناختی: این بعد شامل توانایی مدیریت استرس، اضطراب و تروما پس از سانحه است. زنانی که توانستند احساسات خود را بیان کنند و از شبکه‌های حمایتی استفاده نمایند، سطوح بالاتری از تاب‌آوری روانی را گزارش کردند. با این حال، فشارهای روانی که بر اثر از دست‌دادن عزیزان و تخریب سرپناه ناشی می‌شود، چالش اصلی این بعد بود (احمدی و همکاران، ۲۰۲۰؛ کایا و یلدریم، ۲۰۲۱)

ب) تاب‌آوری اقتصادی: از آنجا که بسیاری از زنان در مناطق زلزله‌زده فاقد شغل رسمی یا مالکیت مستقل هستند، تخریب مشاغل خانگی (مانند صنایع دستی، کشاورزی خانگی) ضربه شدیدی به تاب‌آوری اقتصادی آن‌ها وارد کرد. زنانی که به منابع درآمدی جایگزین دسترسی یافتند، توانستند بهتر تاب‌آوری کنند (رمجو و همکاران، ۲۰۲۲)

ج) تاب‌آوری اجتماعی-فرهنگی: این بعد به توانایی زنان در حفظ روابط اجتماعی و نقش‌های فرهنگی خود اشاره دارد. جالب توجه آن است که در بسیاری از موارد، زنان نقش «مرهم» و «پیونددهنده» اجتماعی را ایفا کردند. آن‌ها با ایجاد گروه‌های حمایتی محلی، احساس تنهایی و انزوا را در سایر اعضای خانواده کاهش دادند (ذوالفقاری و همکاران، ۲۰۱۹).

بعد تاب‌آوری	تعریف/مؤلف‌ها	چالش‌های اصلی	یافته محوری	منابع
تاب‌آوری روان‌شناختی	مدیریت استرس، اضطراب و تروما پس از سانحه؛ توانایی بیان احساسات و استفاده از شبکه حمایتی	از دست دادن عزیزان و تخریب سرپناه	زنان با بیان احساسات و استفاده از حمایت‌های اجتماعی، تاب‌آوری روانی بالاتری گزارش کردند	Ahmadi et al., 2020; Kaya & Yildirim, 2021
تاب‌آوری اقتصادی	حفظ/بازپسای منابع درآمدی در نبود شغل رسمی یا مالکیت مستقل	تخریب مشاغل خانگی (صنایع دستی، کشاورزی خانگی) و اختلال درآمد	دسترسی به منابع درآمدی جایگزین، به تاب‌آوری اقتصادی کمک کرد	Razmjou et al., 2022
تاب‌آوری اجتماعی-فرهنگی	حفظ روابط اجتماعی و تداوم نقش‌های فرهنگی؛ کاهش انزوا از طریق حمایت جمعی	تنهایی و انزوای اجتماعی در خانواده‌یاجامه	زنان اغلب نقش «مرهم» و «پیونددهنده» اجتماعی داشتند و با ایجاد گروه‌های حمایتی محلی، تنهایی را کاهش دادند	Zolfaghari et al., 2019

مضمون دوم: آموزش به عنوان تسهیل‌گر تاب‌آوری^۲

یکی از یافته‌های کلیدی این مرور نظام‌مند، تأثیر مثبت و معنادار آموزش بر شاخص‌های تاب‌آوری است. آموزش در این مطالعه به دو دسته کلی تقسیم شد: آموزش‌های پیش از بحران (پیشگیرانه) و آموزش‌های حین و پس از بحران (واکنشی و بازسازی).

الف) آموزش مدیریت بحران و ایمنی: مشارکت زنان در کارگاه‌های آموزشی «چراغ خاموش»، «پناهگیری صحیح» و «کیف اضطرابی»، سطح اضطراب آن‌ها را کاهش داد. دانش فنی درباره خطرات زلزله، به زنان احساس کنترل^۳ بیشتری می‌داد. در مطالعه‌ای در استان کرمانشاه، زنانی که در کارگاه‌های آموزش امداد و نجات اولیه شرکت کرده بودند، نه تنها در نجات همسایگان خود موثرتر بودند، بلکه خودآزمودنی^۴ بالاتری را تجربه کردند (حسینی و همکاران، ۲۰۲۱).

ب) آموزش مهارت‌های زندگی و روان‌شناختی: برنامه‌های آموزشی که بر مهارت‌های مقابله‌ای^۵ مدیریت خشم و آموزش والدین متمرکز بودند، تأثیر عمیقی بر تاب‌آوری روانی داشتند. فنون آموزش^۱ ساده مانند تنفس دیافراگمی و فنون

1. Kaya & Yildirim

2. Resilience Facilitator

3. Sense of Control

4. Self-worth

5. Coping Skills

ذهن‌آگاهی^۲ در کمپ‌های اسکان موقت، به زنان کمک کرد تا با هیجانات شدید دست و پنجه نرم کنند (میرزایی و کریمی، ۲۰۲۳).

ج) آموزش سواد مالی و اشتغال: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کوتاه‌مدت (مانند خیاطی، بافنی، تولید محصولات ارگانیک) که بلافاصله پس از زلزله ارائه شدند، به زنان کمک کردند تا سریع‌تر به چرخه اقتصادی بازگردند. این آموزش‌ها نه تنها منبع درآمد ایجاد کردند، بلکه حس «کارایی» و «مفید بودن» را در زنان زنده کردند که برای سلامت روان آن‌ها حیاتی بود (قلی‌پور و همکاران، ۲۰۲۲).

مؤلفه	محور/محتوای آموزش	شیوه تأثیر بر تاب‌آوری	یافته کلیدی	منابع
آموزش‌های پیش از بحران (پیشگیری) و حین/پس از بحران (واکنشی و بازسازی)	(در این مرور، آموزش‌ها به این دو دسته تقسیم شده‌اند)	افزایش آمادگی، کاهش نااطمینانی، تقویت مهارت‌های مقابله و بازگشت به کارکردهای زندگی	آموزش در این مطالعه اثر مثبت و معنادار بر شاخص‌های تاب‌آوری داشته است.	کلیدیافته‌ها (Karimi, 2023; Hosseini et al., 2021; Gholipour et al., 2022)
آموزش مدیریت بحران و ایمنی	کارگاه‌های «چراغ خاموش»، پنجاهگیری صحیح، کیف اضطراری؛ آموزش امداد و نجات اولیه	کاهش اضطراب از طریق افزایش دانش و احساس کنترل (Sense of Control)	شرکت در کارگاه‌ها موجب کاهش اضطراب شد و دانش فنی احساس کنترل بیشتری ایجاد کرد؛ همچنین در مطالعه کرمانشاه، آموزش امداد و نجات به اثرگذاری بر نجات همسایگان و ارتقای خودارزشمندی (Self-worth) منجر شد	Hosseini et al., 2021
آموزش مهارت‌های زندگی و روان‌شناختی	مهارت‌های مقابله‌ای (Coping Skills)، مدیریت خشم، آموزش والدین؛ تنفس دیافراگمی و ذهن‌آگاهی (Mindfulness)	کاهش هیجانات شدید و بهبود تنظیم هیجانی از طریق تکنیک‌های ساده و قابل اجرا	آموزش‌های متمرکز بر مهارت‌های زندگی تأثیر عمیقی بر تاب‌آوری روانی داشتند (به‌خصوص در کمپ‌های اسکان موقت)	Mirzaei & Karimi, 2023
آموزش سواد مالی و اشتغال	آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کوتاه‌مدت: خیاطی، بافنی، تولید محصولات ارگانیک	بازگشت سریع به چرخه اقتصادی + تقویت حس کارایی و «مفید بودن» برای سلامت روان	آموزش‌های کوتاه‌مدت بلافاصله پس از زلزله موجب ایجاد منبع درآمد، افزایش کارایی و بهبود سلامت روان شد	Gholipour et al., 2022

1. Teaching Techniques

2. Mindfulness

مضمون سوم: نقش شبکه‌های اجتماعی و مشارکت محلی

یافته‌ها تأکید می‌کنند که آموزش به تنهایی کافی نیست و باید در بستر شبکه‌های اجتماعی فعال باشد. زنانی که در تصمیم‌گیری‌های مربوط به اسکان موقت، توزیع کمک‌های بشردوستانه و بازسازی خانه‌ها مشارکت داشتند، سطوح بالاتری از تاب‌آوری را نشان دادند.

الف) شبکه‌های غیررسمی زنان: در بسیاری از جوامع سنتی، زنان به دلیل محدودیت‌های حرکتی، شبکه‌های رسمی (مانند شوراهای) را نمی‌توانند به راحتی در دسترس داشته باشند. بنابراین، شبکه‌های غیررسمی بین همسایگان و خویشاوندان، مهم‌ترین کانال برای دریافت و انتقال اطلاعات آموزشی و حمایتی بود. این شبکه‌ها به عنوان «شبکه‌های ایمنی» عمل می‌کردند (احمدی و محمدی، ۲۰۲۰).

ب) مداخله مدیران محلی: زمانی که مدیران محلی و معتمدین روستا، زنان را در جلسات توجیهی آموزشی دعوت می‌کردند و صدای آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌ها می‌پذیرفتند، انگیزه مشارکت و تاب‌آوری زنان افزایش می‌یافت. مقاومت در برابر حضور زنان در جلسات عمومی، یک مانع عمده برای دریافت آموزش‌های مؤثر بود (خانجانی و همکاران، ۲۰۲۱).

مؤلفه	کانال یا سازوکار شبکه	شیوه تأثیر بر تاب‌آوری	یافته کلیدی	منابع
شبکه اجتماعی به‌عنوان بستر آموزش و حمایت	مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها و فرایندهای محلی (اسکان موقت، توزیع کمک‌های بشردوستانه، بازسازی خانه)	افزایش تاب‌آوری از طریق تقویت حس تعلق، حمایت اجتماعی و اثرگذاری	آموزش زمانی مؤثرتر است که در بستر شبکه‌های اجتماعی فعال جریان یابد؛ زنانی که مشارکت داشتند سطوح بالاتری از تاب‌آوری نشان دادند	(کلیت یافته)
شبکه‌های غیررسمی زنان	شبکه‌های همسایگان و خویشاوندان به‌عنوان کانال دریافت/انتقال اطلاعات آموزشی و حمایتی	عملکرد حمایتی «ایمنی محصور» و کاهش خلأ دسترسی به منابع	در جوامع سنتی، به دلیل محدودیت‌های حرکتی، زنان کمتر به شبکه‌های رسمی (مثل شوراهای) دسترسی دارند؛ بنابراین شبکه‌های غیررسمی مهم‌ترین کانال حمایتی و آموزشی هستند و به‌عنوان «شبکه‌های ایمنی» عمل می‌کنند	Ahmadi & Mohammadi, 2020
مداخله مدیران محلی	دعوت زنان به جلسات توجیهی آموزشی + صدای آنان در تصمیم‌گیری‌ها	افزایش انگیزه مشارکت و بهبود تاب‌آوری؛ کاهش موانع اجتماعی	زمانی که مدیران محلی و معتمدین روستا زنان را در جلسات آموزشی وارد می‌کردند و نظرشان پذیرفته می‌شد، مشارکت و تاب‌آوری افزایش می‌یافت؛ مقاومت در برابر حضور زنان در جلسات عمومی مانع اصلی دریافت آموزش مؤثر بود	Khanjani et al., 2021

مضمون چهارم: چالش‌های فرهنگی و ساختاری

به رغم فواید آموزش، موانع ساختاری قابل توجهی وجود داشت که دسترسی زنان به این آموزش‌ها را دشوار می‌کرد.

الف) نقش‌های جنسیتی سنتی: بار مضاعف مراقبتی^۱ باعث می‌شد زنان وقت کافی برای شرکت در کارگاه‌های آموزشی نداشته باشند. مسئولیت مراقبت از کودکان، سالمندان و آشپزی در شرایط سخت اسکان موقت، اولویت‌های زنان را تعیین می‌کرد و آموزش را به یک نیاز غیرضروری تبدیل می‌کرد.^۲

^۱. Double Burden

^۲ سازمان جهانی بهداشت (WHO) در سال ۲۰۱۰ گزارش بسیار تأثیرگذاری با عنوان «مراقبت‌کنندگان در خانه: یک منبع فراموش‌شده» منتشر کرد که بر کار بدون مزد مراقبت از سالمندان و بیماران تأکید دارد.

ب) کمبود آموزش‌های جنسیت‌محور: بسیاری از برنامه‌های آموزشی ارائه‌شده توسط سازمان‌های امدادی، «کوری جنسیت»^۱ داشتند. محتوای آموزشی برای مردان و زنان یکسان بود، در حالی که نیازها، دغدغه‌ها و محدودیت‌های آن‌ها متفاوت است. مثلاً آموزش‌های بهداشتی برای زنان نیازمند توجه ویژه به مسائل بهداشت قاعدگی و بارداری در شرایط بحرانی بود، که اغلب نادیده گرفته می‌شد (اعتمادی^۲ و همکاران، ۲۰۲۲).

ج) کمبود منابع مالی و زیرساختی: در مناطق محروم زلزله‌زده، کمبود بودجه برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی با کیفیت، یکی از چالش‌های اصلی بود. همچنین، عدم دسترسی به اینترنت و فضای فیزیکی مناسب، اجرای آموزش‌های ترکیبی (آنلاین-حضوری) را دشوار می‌ساخت (رحیمی و همکاران، ۱۴۰۰).

مؤلفه	مانع اصلی	شیوه تأثیر بر دسترسی زنان به آموزش	یافته کلیدی	منابع
نقش‌های جنسیتی سنتی (بار مضاعف مراقبتی)	اولویت داشتن مراقبت از کودکان، سالمندان و انجام آشپزی در شرایط سخت اسکان موقت	کاهش زمان/فرصت برای حضور در کارگاه‌های آموزشی؛ آموزش به نیاز «کم‌اولویت‌تر» تبدیل می‌شود؛ تشدید نابرابری دسترسی به خدمات	بار مراقبتی مضاعف باعث شد زنان وقت کافی برای شرکت در آموزش نداشته باشند و دسترسی عملی آن‌ها محدود شود	سازمان جهانی بهداشت (۲۰۱۰) (WHO)
کمبود آموزش‌های جنسیت‌محور	«کوری جنسیتی» در طراحی/ارائه برنامه‌ها (یکسان‌بودن محتوا برای مردان و زنان)	ناهمخوانی محتوای آموزشی با نیازهای واقعی زنان؛ کاهش اثربخشی	در آموزش‌های بهداشتی، مسائل ویژه زنان (بهداشت قاعدگی و بارداری در بحرانی) نادیده گرفته می‌شد	(اعتمادی و همکاران، ۲۰۲۲)
کمبود منابع مالی و زیرساختی	کمبود بودجه برای کارگاه‌های بایگیت + نبود اینترنت/فضای فیزیکی مناسب	کاهش ظرفیت برگزاری آموزش + محدود شدن آموزش ترکیبی	کمبود منابع مالی و زیرساختی؛ یکی از موانع کلیدی بود؛ دسترسی به اینترنت و فضای مناسب اجرای آموزش ترکیبی را دشوار می‌کرد	(رحیمی و همکاران، ۱۴۰۰)

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این مرور نظام‌مند نشان می‌دهد که تاب‌آوری زنان در بستر زلزله، فرآیندی پیچیده است که تحت تأثیر تعامل عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی قرار دارد. آموزش به عنوان یک ابزار کلیدی، می‌تواند این تعاملات را به نفع زنان تغییر دهد.

گذار از آسیب‌پذیری به توانمندسازی: بازتعریف نقش آموزش

یافته‌های این مرور نظام‌مند، تصویر پیچیده‌ای از تاب‌آوری زنان در مناطق متاثر از بلایای طبیعی، به‌ویژه زلزله، ارائه می‌دهد. این مرور نشان می‌دهد که تاب‌آوری، پدیده‌ای ایستا و صرفاً فردی نیست، بلکه فرایندی پویا، چندوجهی و وابسته به تعاملات پیچیده میان عوامل فردی (روانشناختی، دانش)، خانوادگی (حمایت، نقش‌ها)، اجتماعی (شبکه‌های ارتباطی، سرمایه اجتماعی) و ساختاری (سیاست‌ها، منابع، هنجارها) است. در این میان، آموزش به عنوان یکی از مؤثرترین سازوکارهای توانمندساز، نقش کلیدی در تسهیل این فرایند ایفا می‌کند.

ادبیات پیشین در حوزه مدیریت بحران، غالباً بر تصویر کلیشه‌ای زنان به عنوان «قربانیان» یا «افراد نیازمند حمایت» تمرکز داشته است. هرچند این نگاه بخشی از واقعیت‌های ناشی از نابرابری‌های جنسیتی را بازتاب می‌دهد، اما یافته‌های این پژوهش بر اهمیت گذار از این پارادایم تأکید دارد. آموزش می‌تواند زنان را از جایگاه انفعالی خارج کرده و به کنشگرانی فعال در فرایند بازیابی و بازسازی تبدیل کند. دسترسی به دانش و مهارت‌های نوین، نه تنها ظرفیت سازگاری فردی را ارتقا می‌بخشد، بلکه

1. Gender Blindness

2. Etemadi

عاملیت، خودکارآمدی و حس کنترل زنان را بر شرایط خود افزایش می‌دهد. این امر به زنان امکان می‌دهد تا نه تنها در بازسازی زندگی شخصی و خانوادگی خود نقش فعال‌تری ایفا کنند، بلکه در سطح جامعه نیز به عملیات‌های تغییر و بازسازی ساختارهای اجتماعی یاری رسانند (علی^۱ و همکاران، ۲۰۱۸؛ نوریس^۲ و همکاران، ۲۰۰۸). بنابراین، آموزش را باید به عنوان ابزاری برای توانمندسازی و بازتعریف هویت و نقش اجتماعی زنان در بستر بحران در نظر گرفت.

ضرورت آموزش جنسیت‌محور در چارچوب مدیریت بحران

یکی از پیامدهای حیاتی این مرور، تأکید بر لزوم رویکرد «جنسیت‌محور» در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی پس از بلایا است. تجربه‌ی بحران برای زنان، اغلب با نیازها، محدودیت‌ها و آسیب‌پذیری‌های خاصی همراه است که آموزش‌های استاندارد و عموماً «خنثی از نظر جنسیتی» قادر به پوشش آن‌ها نیستند. این آموزش‌ها، در صورت عدم توجه به تفاوت‌های جنسیتی، نه تنها اثربخشی محدودی دارند، بلکه ممکن است ناخواسته نابرابری‌های موجود را بازتولید کرده و بخشی از زنان را از دسترسی به خدمات آموزشی محروم سازند.

به عنوان مثال، آموزش‌های حمایتی-روانی پس از زلزله، باید فضایی امن و غیرقضاوتی را برای زنان فراهم کنند تا بتوانند تجربه‌های تروماتیک خود، از جمله خشونت‌های مبتنی بر جنسیت را بیان کنند. همچنین، زمان‌بندی، مکان برگزاری و شیوه ارائه‌ی آموزش‌ها باید با مسئولیت‌های مراقبتی، محدودیت‌های رفت‌وآمد و هنجارهای فرهنگی حاکم بر زندگی زنان در مناطق بحران‌زده سازگار باشد. این ملاحظات، آموزش را از یک فرایند صرفاً انتقال اطلاعات به یک مداخله‌ی حساس به زمینه، جامع و توانمندساز تبدیل می‌کند (قلی‌پور و همکاران، ۱۴۰۱).

نقش شبکه‌های اجتماعی به عنوان حامل و تقویت‌کننده آموزش

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که اثربخشی آموزش به شدت به بستر اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی زنان وابسته است. در جوامع سنتی و مناطق آسیب‌دیده، شبکه‌های غیررسمی (خویشاوندی، همسایگی، دوستان) نقش حیاتی در انتقال دانش، حمایت عاطفی و بسیج منابع ایفا می‌کنند. زنانی که آموزش‌های لازم را دریافت می‌کنند، اغلب دانش و مهارت‌های خود را از طریق این شبکه‌ها به اشتراک گذاشته و بدین ترتیب، دامنه‌ی اثرگذاری آموزش را گسترش می‌دهند.

این پدیده، اهمیت رویکرد «آموزش آموزش‌دهندگان»^۳ را در جوامع محلی نشان می‌دهد (کاتر^۴ و همکاران، ۲۰۱۳). سرمایه‌گذاری برای رشد و توسعه فردی زنان کلیدی و اثرگذار در این شبکه‌ها می‌تواند اثربخشی مداخلات آموزشی را به شکلی پایدار و درون‌زا افزایش دهد. آموزش در چنین بستری، نه فقط یک فرایند فردی، بلکه یک پدیده‌ی اجتماعی و جمعی تلقی می‌شود که به تقویت سرمایه اجتماعی و انسجام جامعه کمک می‌کند.

چالش‌های پایدار و راهکارهای سیاستی

با وجود قابلیت بالای آموزش، موانع فرهنگی، اقتصادی و ساختاری متعددی در مسیر دسترسی و بهره‌مندی زنان از آموزش وجود دارد. این موانع شامل کمبود منابع مالی، محدودیت در دسترسی به اطلاعات، نابرابری در قدرت تصمیم‌گیری و هنجارهای اجتماعی محدودکننده است. برای غلبه بر این چالش‌ها، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باید رویکردهایی جامع و چندوجهی اتخاذ کنند.

پیشنهادات سیاستی کلیدی شامل تخصیص بودجه مشخص برای آموزش‌های جنسیت‌محور، مشارکت فعال زنان در طراحی برنامه‌ها، ادغام آموزش با برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی، و اجرای کمپین‌های آگاهی‌بخشی برای تغییر نگرش‌های فرهنگی است (قلی‌پور و همکاران، ۱۴۰۱). این اقدامات می‌توانند به رفع موانع ساختاری و فرهنگی کمک کرده و از این طریق، اثربخشی آموزش را در ارتقای تاب‌آوری زنان به حداکثر برسانند.

¹. Ali

². Norris

³. Training of Trainers

⁴. Cutter

این مرور نظام‌مند نشان داد که تاب‌آوری زنان در مناطق زلزله‌زده، پدیده‌ای چندبعدی است که تحت تاثیر عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و ساختاری قرار دارد. آموزش، به عنوان یکی از ارکان اصلی توانمندسازی، نقش حیاتی در ارتقای ابعاد روانی، اجتماعی و اقتصادی تاب‌آوری ایفا می‌کند. آموزش نه تنها به زنان دانش و مهارت لازم برای مواجهه با بحران را می‌آموزد، بلکه به تقویت عاملیت، خودباوری و مشارکت اجتماعی آنان نیز کمک می‌کند.

با این حال، اثربخشی آموزش به شدت به ماهیت، محتوا، شیوه ارائه و بستر اجرای آن بستگی دارد. آموزش‌های جنسیت‌محور، بافت‌محور و مبتنی بر مشارکت واقعی زنان، اثربخشی بیشتری نسبت به رویکردهای عمومی و از بالا به پایین دارند. همچنین، پیوند آموزش با برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی، تأثیر آن را ماندگارتر می‌سازد.

بر اساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و مجریان برنامه‌های بحران، پیشنهادات زیر را در برنامه‌ریزی‌های آتی در نظر داشته باشند:

- ادغام آموزش در تمامی مراحل چرخه مدیریت بحران: آموزش باید از مرحله پیشگیری (آموزش‌های ایمنی و آمادگی) آغاز شده و در مراحل واکنش (اطلاع‌رسانی و حمایت) و بازسازی (مهارت‌آموزی و توانمندسازی) ادامه یابد.
- طراحی بسته‌های آموزشی چندسطحی و متناسب با نیازهای جنسیتی: محتوای آموزشی باید در سطوح فردی (مهارت‌های بقا و تاب‌آوری روانی)، خانوادگی (مدیریت استرس و روابط) و اجتماعی (مشارکت مدنی و تصمیم‌گیری) طراحی شود و به نیازهای خاص زنان توجه ویژه داشته باشد.
- استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های بومی: بهره‌گیری از ابزارهایی مانند رسانه‌های محلی، معتمدان جامعه و رویکرد «آموزش آموزش‌دهندگان» می‌تواند دسترسی و پذیرش آموزش‌ها را در مناطق آسیب‌دیده تسهیل کند.
- پایش و ارزیابی مستمر با شاخص‌های جنسیتی: فرایندهای ارزیابی باید شامل سنجش تأثیر آموزش بر ابعاد مختلف تاب‌آوری زنان، از جمله توانمندی اقتصادی، مشارکت اجتماعی و سلامت روانی باشد.

از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد که، پژوهش کنونی به مطالعات منتشرشده به زبان‌های فارسی و انگلیسی محدود بود و ممکن است برخی پژوهش‌های مرتبط در سایر زبان‌ها نادیده گرفته شده باشند. همچنین، پراکندگی جغرافیایی مطالعات واردشده عمدتاً محدود به مناطق خاورمیانه و آسیا بود، که در نتیجه در تعمیم نتایج به سایر مناطق جغرافیایی و فرهنگی دنیا کمی با احتیاط عمل کرد. موضوع بعدی تنوع روش‌شناختی پژوهش‌های اولیه بود که از دیگر محدودیت‌های این پژوهش محسوب می‌شود.

منابع

- آلی، زهرا؛ محمدی، علی؛ و کریمی، حسن. (۱۳۹۸). بررسی نقش جنسیت در آسیب‌پذیری و تاب‌آوری اجتماعی در برابر بلایای طبیعی. فصلنامه جغرافیای انسانی، ۲۳۰(۲)، ۴۵-۶۲.
- ابراهیمی، ز. (۱۴۰۲). تحلیل پدیدارشناختی شبکه‌های حمایتی زنان در مناطق زلزله‌زده کرمانشاه. فصلنامه مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۲۱(۳)، ۴۵-۶۸.
- آلی، ن. و همکاران (۱۳۹۸). بررسی نقش جنسیت در آسیب‌پذیری در برابر بلایای طبیعی. ترجمه و تلخیص در: مجله مدیریت بحران، ۱۲-۳۰.
- حسینی، س. م. و همکاران (۱۳۹۹). نقش آموزش‌های امدادی در تاب‌آوری زنان پس از زلزله طارم. فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت بحران، ۱۹(۱)، ۸۸-۱۰۵.
- قلی‌پور، ف. و همکاران (۱۴۰۱). ارزیابی اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندسازی اقتصادی زنان در لرستان. فصلنامه توسعه و بهزیستی اجتماعی، ۱۱(۴)، ۲۱۰-۲۳۰.

- رحیمی، م. و همکاران (۱۴۰۰). *واکاوی کیفی تاب‌آوری روانی زنان در کمپ‌های اسکان موقت پس از زلزله*. مجله روانشناسی بالینی، ۱۳(۲)، ۱۵۰-۱۷۰.
- رحیمی، سارا. (۱۳۹۹). جایگاه زنان در مدیریت بحران‌های طبیعی: چالش‌ها و راهکارها. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضایی، ع. و همکاران (۱۴۰۳). *سواد مالی و تاب‌آوری اقتصادی زنان سرپرست خانوار زلزله‌زده*. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۲(۱)، ۵۵-۷۵.
- زارعی، م (۱۴۰۱). *نقش نهادهای مذهبی در تاب‌آوری معنوی زنان پس از بلایا*. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت دینی، ۱۵(۳)، ۳۰-۴۵.
- شریفی، ن. و همکاران (۱۴۰۲). *چالش‌های آموزش جنسیت‌محور در مدیریت بحران: مطالعه موردی کرمانشاه*. فصلنامه مطالعات جنسیتی، ۱۰(۲)، ۸۰-۹۵.
- کمالی، ر. و همکاران (۱۳۹۸). *مروری بر برنامه‌های بازسازی پس از زلزله بیم: درس‌های آموخته شده در مشارکت زنان*. فصلنامه مطالعات شهری، ۷(۲۵)، ۱۲۰-۱۴۰.
- محمدی، س. و همکاران (۱۳۹۹). *اثربخشی آموزش‌های بهداشت روان بر افسردگی زنان سرپرست خانوار*. فصلنامه سلامت روان جامعه، ۱۹(۱)، ۲۰-۳۵.
- میرزایی، ا. و کاریمی، ل (۱۴۰۲). *تأثیر مداخلات ذهن‌آگاهی بر کاهش استرس پس از سانحه در زنان*. مجله روانشناسی سلامت، ۱۲(۳)، ۴۰۰-۴۲۰.
- نوری، محمد؛ حسینی، سید محمد؛ و رضایی، علیرضا. (۱۴۰۰). *تبیین مفهوم تاب‌آوری در مدیریت بلایا: رویکردی سیستمی*. فصلنامه مطالعات مدیریت بحران، ۱۲(۱)، ۱۱۵-۱۳۸.
- نوری، ح. و همکاران (۱۴۰۰). *تاب‌آوری اجتماعی در مدیریت بحران: یک مرور نظام‌مند*. فصلنامه مدیریت عمومی، ۱۳(۴)، ۱۰-۲۵.
- Ali, N., Kulkarni, M., & Doll, J. (2018). The impact of natural disasters on women: A systematic review. *Journal of Gender Studies*, 27(4), 456-472.
- Ali, S., Rahman, M., & Singh, V. (2018). Gender dimensions of disaster risk reduction: A case study of flood-affected communities in South Asia. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 31, 450-460.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Cutter, S. L., Boruff, B. J., & Shirley, W. L. (2003). Social vulnerability to environmental hazards. *Social Science Quarterly*, 84(2), 242-261.
- Enarson, E. (2019). *Gender and Disaster: New Directions for Theory and Practice*. Routledge.
- Etemadi, H., Karimi, L., & Razmjou, F. (2022). Gender-based violence and resilience in post-disaster settings. *Disaster Medicine and Public Health Preparedness*, 16(2), 330-340.
- Gholipour, F., et al. (2022). Economic empowerment of women through vocational training after earthquakes. *Journal of Humanitarian Assistance*, 12(1), 88-105.
- Kaya, E., & Yildirim, M. (2021). Psychological resilience and coping strategies among women in Turkey. *Journal of Loss and Trauma*, 26(5), 480-495.
- Khanjani, N., et al. (2021). Barriers to women's participation in post-disaster decision making. *Disasters*, 45(3), 780-800.
- Norris, F. H., Stevens, S. P., Pfefferbaum, B., Wyche, K. F., & Pfefferbaum, R. L. (2008). Community resilience as a metaphor, theory, set of capacities, and strategy for disaster readiness. *American Journal of Community Psychology*, 41(1-2), 127-150.
- Rahman, M., Ali, S., & Khan, A. (2020). Women's empowerment and disaster resilience: Evidence from post-earthquake reconstruction in Nepal. *Disasters*, 44(3), 567-589.

Razmjou, F., et al. (2022). Livelihood recovery and women's empowerment in rural Iran. *Journal of Rural Studies*, 90, 230-240.

United Nations. (2015). Sendai Framework for Disaster Risk Reduction 2015-2030. Geneva: UNDRR. Retrieved from <https://www.unisdr.org/we/collaborate/sendai-framework>

United Nations Economic Commission for Europe, & UN Women. (2015). *The care economy: Investing in growth*. United Nations.

World Health Organization. (2010). *Home care: A forgotten resource*. World Health Organization.

A Qualitative Analysis of Women's Resilience in the Context of Natural Disasters: A Systematic Review Focusing on the Pivotal Role of Education in Earthquake-Prone Areas

Maryam Pourkasmaei^۱

Abstract

This study aims to qualitatively analyze existing evidence regarding women's resilience in earthquake-prone regions and investigate the mediating role of education in their empowerment. Following the PRISMA protocol, this study conducted a systematic review. Searches were performed across international databases (Scopus, Web of Science, PubMed) and domestic repositories (SID, Magiran, Civilica) for the period 2015–2024. After a rigorous screening process, 45 studies (25 international and 20 Persian/Iranian) were selected for analysis. Data were synthesized using a thematic analysis approach. The thematic analysis revealed four primary themes: 1) Multidimensional Resilience: Women's resilience extends beyond economic recovery to encompass psychological, social, and identity-based dimensions. 2) Education as a Catalyst: Specialized training (disaster management, life skills, and financial literacy) directly increased self-efficacy and mitigated psychological distress. 3) Informal Support Structures: Women's neighborhood and kinship networks served as primary channels for knowledge transfer and emotional support. 4) Gendered Barriers: Cultural norms and gendered divisions of labor restricted women's access to education and essential resources. Education is a critical factor in transitioning women from "passive victims" to "active agent." However, educational programs must be culturally adapted to local contexts and focus simultaneously on economic and psychological empowerment.

^۱. Corresponding author: Instructor, Department of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran.
Kasmaei.maryam@pnu.ac.ir